



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در این بود که آیا در وجوب ثبوت قضا و کفاره در صورت تعدد در ارتکاب مفطرات بین عالم و جاهل فرقی می باشد یا نه؟ **اختلفوا علی اقوال**؛ بعضی ها مثل محقق در شرایع گفته اند فرقی بین عالم و جاهل نیست یعنی همانطوریکه برای عالم قضا و کفاره وجود دارد برای جاهل هم وجود دارد و صاحب مدارک این قول را به اکثر و مشهور نسبت داده است که البته صاحب جواهر به کلام ایشان (نسبت قول به مشهور و اکثر) اشکال کرده اند و گفته اند برای ما ثابت نیست که قول مشهور این باشد، و همین محقق در معتبر فرموده اند که در عالم قضا و کفاره ولی در جاهل فقط قضا ثابت است و کفاره ثابت نیست، همانطور که می بینید مسئله به قدری اجتهادی و اختلافی است که یک نفر در دو کتابش دو نظر متفاوت با هم دارد. شهید ثانی در ص ۱۹ از جلد ۲ مسالک طبع جدید می فرمایند فرقی بین جاهل و عالم وجود ندارد، و علامه در ص ۲۹۸ از جلد ۳ مختلف الشیعه طبع جدید و شیخ انصاری در ص ۸۲ تا ص ۸۳ از کتاب الصوم و صاحب جواهر در ص ۱۳۳ از جلد ۱۷ جواهر و مصباح الفقیه در ص ۴۴۶ از جلد ۱۴ و علامه در ص ۳۷ از جلد ۶ تذکر الفقها این بحث را مطرح کرده اند، بنابراین مسئله اجتهادی است و اقوال متفاوتی در آن وجود دارد لذا باید شما به اقوال و کتب مختلف مراجعه کنید تا مسئله برایتان روشن شود خلاصه اینکه چند قول در مسئله وجود دارد؛ قول اول اینکه بین جاهل و عالم فرقی نیست، قول دوم اینکه بین جاهل و عالم فرقی وجود دارد (البته بعد باید از اقسام جاهل بحث شود یعنی باید ببینیم آیا بین مطلق جاهل با عالم فرقی نیست یا اینکه بین بعضی از اقسام جاهل با عالم فرقی نیست؟) خلاصه در مقابل قول اول این قول که قول شیخ در تهذیب و ابن ادریس در سرائر می باشد قرار دارد که می فرمایند جاهل نه قضا دارد و نه کفاره، و اما قول سوم قول تفصیل

در جاهل می باشد به این صورت که اگر جاهل قاصر باشد نه قضا دارد و نه کفاره ولی جاهل مقصر هم قضا دارد و هم کفاره، بنابراین ما باید به روایاتمان مراجعه کنیم تا ببینیم طبق آنها کدام قول را باید اختیار کنیم. ما عرض کردیم اطلاقات ادله اولیه اقتضا می کند که در هر دو (جاهل و عالم) قضا و کفاره ثابت باشد زیرا؛ **إِنَّ اللَّهَ فِي كُلِّ وَاقِعَةٍ حَكَمًا يَشْتَرِكُ فِيهِ الْعَالَمُ وَالْجَاهِلُ**، حالا ما باید ببینیم که آیا مخصّصی و مقیددی نسبت به این ادله اولیه وجود دارد یا نه؟ خوب ما دیروز سه خبر خواندیم یکی از ابواب صوم و دیگری از ابواب نکاح و دیگری از ابواب تروک حج که در آنها تسهیلات و تخفیفاتی برای جاهل ذکر شده بود مثلاً در خبر ۱۲ از باب ۹ از حضرت باقر علیه السلام سؤال شد که اگر کسی در روزه ماه رمضان افطار کرد در حالی که عقیده اش این است که افطار جایز است یعنی قاطع به خلاف است حکمش چیست؟ حضرت فرمودند: **لاشئ علیه**، خلاصه این اخبار بین جاهل و عالم فرق گذاشته اند و ما باید ببینیم که چه استفاده ای از این اخبار می توانیم بکنیم. نظر بنده این است که قضا و کفاره با هم فرق دارند زیرا در جایی یک امری وجود دارد که آن امر امتثال نشده است و معلوم است اگر امری که شارع کرده به هر دلیلی امتثال نشود قضا ثابت است بنابراین ادله ای که دلالت دارند بر وجوب قضا و کفاره اقتضا می کنند که اگر شخصی جهلاً هم امتثال نکرد باید قضای آن را بجا بیاورد به عبارت دیگر در صوم شارع **امساک عن نية من المفطرات** را از ما خواسته است یعنی متعلق امر یک امر مرکبی می باشد و لذا اگر مرکب بجمیع اجزائه و یا به بیعض اجزائه فوت شد خوب قضا می خواهد زیرا ما آن امر را امتثال نکرده ایم و در مانحن فیه هم که شخص جاهل بوده آن امر را امتثال نکرده است لذا ما به چه دلیلی می توانیم بگوئیم که قضا ندارد به عبارت دیگر اگر ما دلیل خاصی پیدا کردیم می توانیم بگوئیم قضا ندارد و اِلّا باید بگوئیم که قضا دارد بنابراین قاعده اقتضا می کند که اگر کسی امر شارع را امتثال نکرد باید قضای آن را بجا بیاورد. خوب حالا اگر بگوئیم که وجوب صوم مع ترک مفطرات مقید به این است که علم به آن مفطرات داشته

خبر بعدی خبری بود که در ترک احرام ذکر شده بود که در آن شخص سوال کرده بود که به من می گویند باید بدنه به عنوان کفاره بدهی آیا درست است یا نه؟ که خوب معلوم است که از کفاره سؤال شده و ربطی به قضا ندارد لذا وجوب قضا ثابت است. خبر بعدی خبری بود که در باب نکاح ذکر شده بود و در آن سؤال شده بود از کسی که تزوج المرأة فی عدتها بجاله؟ و حضرت در جواب فرمودند که عقد درست است بلکه عقدش باطل است اما چون این شخص نمی دانسته که زن در عده است لذا به او حرام ابدی نمی شود، بنابراین به نظر بنده از این اخبار استفاده می شود که در باب جهل قضا مسلم است ولی کفاره ندارد، و همچنین ما از این روایات استفاده می کنیم که مراد از آنها جاهل قاصر می باشد و مادلیلی نداریم بر اینکه کفاره برای مطلق جاهل ثابت نباشد بلکه فقط جاهل قاصر کفاره ندارد ولی جاهل مقصر بالأخص مقصر ملتفت و شاک هم قضا دارد و هم کفاره دارد. آیت الله العظمی آقای خوئی در اینجا فرموده اند که این احادیث شامل جاهل ملتفت و شاک نمی شود زیرا شبهه در اینجا حکمیه است نه موضوعیه و در شبهات حکمیه جاهل معذور نیست بلکه باید فحص کند ایشان می فرمایند که اصلاً این شخص حکم ظاهری دارد یعنی حکم ظاهری وجوب احتیاط است در شبهات حکمیه و تنها بعد از فحص ولیأس می تواند اصل برائت جاری کند ولی قبل از آن نمی تواند اصل برائت جاری کند بلکه باید احتیاط کند، بنابراین همانطور که بنده هم در حاشیه عروة نوشته ام جاهل قاصر کفاره ندارد ولی جاهل مقصر کفاره دارد....

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین

باشیم و إلا اگر علم نداشتیم این وجوب ثابت نیست یعنی موضوع باید مقید به علم باشد، این بحث را مرحوم آخوند خراسانی در جلد دوم از کفایه در بحث قطع مطرح کرده اند ایشان در آنجا می فرمایند: «الأمر الرابع: لا یکاد یمکن أن یؤخذ القطع بحکم فی موضوع نفس هذا الحکم للزوم الدور و لا مثله للزوم اجتماع المتلین ولاضده للزوم اجتماع الضدین»: اشکال این حرف (تقیید موضوع به علم) این است که لازمه اش این است که یا دور بوجود آید زیرا علم به حکم در موضوع حکم أخذ شده یعنی حکم متوقف بر موضوع و موضوع هم متوقف بر حکم شده است و یا اگر مثل آن حکم أخذ شود اجتماع متلین و یا اگر ضد آن حکم أخذ شود اجتماع ضدین بوجود آید، و در مانحن فیه هم به دلیل بوجود آمدن همین اشکالات ما نمی توانیم بگوئیم که وجوب این صوم کذابی متوقف بر علم به وجوب آن است و چون جاهل این وجوب را ندارد لذا قضا هم ندارد و اصلاً اگر ما بخواهیم بگوئیم جاهل قضا ندارد مقتضای این حرف ما این است که در امر تصرف کنیم و آن را امتثال نکنیم؟ بنابراین ما نمی توانیم بگوئیم جاهل قضا ندارد بلکه قضا هم برای عالم و هم برای جاهل واجب است و فرقی در وجوب قضا بین جاهل و عالم نیست. و اما در مورد کفاره باید عرض کنیم که کفاره مترتب بر ارتکاب خطا می باشد که شارع می تواند آن را از جاهل بردارد و آن سه خبری که دیروز برایتان خواندیم هم همین را می گویند یعنی کفاره را بر می دارند.

خوب یکی از اخباری که دیروز خواندیم خبر ۱۳ از باب ۹ از ابواب مایمسک عنه الصائم بود که در آن گفته شده بود: «سألنا أبا جعفر علیه السلام عن رجل أتى أهله فی شهر رمضان و أتى أهله و هو محرم و هو لا یری إلا أن ذلك حلال له؟ قال: لیس علیه شیء، همانطور که می بینید حضرت در جواب فرموده اند: لیس علیه شیء که این با لایجب علیه شیء فرق دارد یعنی اگر ایشان می فرمودند لایجب علیه شیء می گفتیم نه قضا دارد و نه کفاره اما ایشان فرموده اند لیس علیه شیء یعنی آن کفاره ای که برای عالم بود برای جاهل نیست یعنی ظاهر خبر بر این مطلب (عدم وجوب کفاره) دلالت دارد.